

اشاره

تحولات ژئوپلتیک غرب آسیا و شمال آفریقا بویژه آغاز بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ میلادی با توجه به ویژگی‌های خاصی و منحصر به فرد خود، مرحله نوینی در حیات سیاسی، اجتماعی و امنیتی کشورهای منطقه ایجاد کرد و فضای امنیتی آن را با توجه به واقعیات موجود تغییر داد. در این میان، رژیم صهیونیستی نگرانی و حساسیت زیادی نسبت به تحولات جهان عرب نشان داده است و دستسگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی آن به صورت دقیق این تحولات را رصد کرده و می‌کنند. چرا که رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس با تنگناها و چالش‌های امنیتی مهم و جدی روبه‌رو بوده است و امنیت، اصلی‌ترین دغدغه رهبران این رژیم و قدرت‌های فرامنطقه‌ای حامی آن را تشکیل می‌دهد.

تغییر معادلات در منطقه استراتژیک غرب آسیا نه تنها موجب بدتر شدن اوضاع امنیتی رژیم صهیونیستی شد، بلکه به زبان نفوذ و اقتدار حامی اصلی آن یعنی آمریکا نیز رقم می‌خورد و همین مسئله بر شدت نگرانی رژیم صهیونیستی‌ها می‌افزاید، چرا که اگر آمریکا حمایت‌های خود را از رژیم صهیونیستی افزایش ندهد، بازتاب‌های منفی این اوضاع بر امنیت اسرائیل بسیار بیشتر خواهد بود.

خیزش‌های مردمی در منطقه نشان داد که سال‌ها سرکوب، اشغالگری و نقض مکرر حقوق اعراب نمی‌تواند تضمین‌کننده امنیت اسرائیل باشد و اراده مردمی قوی‌ترین نظام‌های سیاسی و قدرتمندترین ارتش‌های جهان راه زانو درمی‌آورد، به همین دلیل تأمین امنیت به مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی رژیم صهیونیستی تبدیل شد و این رژیم می‌کوشد با پیامدهای این تحولات به هر نحو ممکن مقابله کند تا از خطر تهدیدات امنیتی در امان بماند.

البته هر اقدامی که رژیم نامشروع صهیونیستی برای حفظ امنیت خود انجام می‌دهد، به طور طبیعی برای دولت‌ها و مردم منطقه، یک تهدید خواهد بود. در مقاله حاضر، سیاست منطقه‌ای این رژیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تعهد آمریکا به امنیت رژیم صهیونیستی

روابط رژیم صهیونیستی و آمریکا از نوع روابط عادی میان دولت‌ها نیست، بلکه میان تل‌آویو و واشنگتن پیوندهای بنیادین وجود دارد و به عبارت دیگر، آنها اهداف مشترکی دارند.

اعتقاد رژیم صهیونیستی به قوم پرگزیده و نگرش آمریکا درباره هژمون از بسیاری جهات به یکدیگر نزدیک است. این استراتژی مشترک پیش از پیدایش دولت مستقل آمریکا یعنی زمانی که آمریکای شمالی مستعمره انگلیس بود توسط فریه‌پردازان پیوریتنیسم انگلیسی به وجود آمد. پیوریتنی‌ها که خود را اقوام خدا می‌دانستند در قرن هفدهم در انگلستان به این جنبش اعتلا بخشیدند. این اعتقاد و این نگاه اساطیری نزد پیوریتن‌هایی که به آمریکا مهاجرت کردند شدت بیشتری داشت. آنها گروه‌های را که تبعیدشدگان در کتاب مقدس شرح داده شده بود در وجود خود بازمی‌یافتند. آنان آمریکا را سرزمین کنعان خود می‌پنداشتند. بدین ترتیب آمریکایی‌ها خود را قوم یهود دارای تاریخ و فرهنگ مشترک می‌دانستند و قربان و تجانس زیادی با آنان احساس می‌کردند.

امروزه جامعه یهود که توسط طبقه حاکم آمریکا و لابی صهیونیسم (آپیک) و روسای دولت رژیم صهیونیستی تشکیل شده بیش از هر زمان دیگری دارای اشتراک منافع هستند و مبارزه علیه اسلام که مانع بزرگی در برابر سیطره جهانی آمریکا و صهیونیسم است هدف مهم آنها است. در نیمه دوم قرن بیستم بخش مهمی از استراتژی سیاست خارجی آمریکا به تثبیت، حفظ و توسعه نفوذ این رژیم اختصاص یافت. در سال‌های اولیه شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، آمریکا اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت و در تمامی سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی از آن دفاع کرد. از زمان جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ واشنگتن از رژیم صهیونیستی در همان سطحی که از هر کشور دیگری هم پشتیبانی می‌نمود حمایت می‌کرد. از سال ۱۹۷۶ این حمایت‌ها شامل پرداخت سالانه کمک‌های عظیم و مستقیم اقتصادی و نظامی می‌شود.

از سال ۱۹۸۲، آمریکا بیش از ۳۲ قلعننامه شوری امنیت را که رژیم صهیونیستی را محکوم می‌کرد، وتو نموده و این تعداد، بیش از مجموع وتوهایی است که توسط دیگر اعضای شورای امنیت صورت گرفته است. آمریکا جلوی تلاش‌های کشورهای عربی را برای نام بردن از زرادخانه هسته‌ای رژیم صهیونیستی در پیش‌نویس ژانسی بین‌المللی انرژی اتمی را گرفته است. ایالات متحده در زمان جنگ درمصد نجات رژیم صهیونیستی برمی‌آید و در مذاکرات صلح که پشت این جریان‌ها قرار گرفته است. در طی چند دهه گذشته و به ویژه از زمان جنگ شش روزه سال ۱۹۷۶، نقطه ثقل سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا، رابطه با رژیم صهیونیستی بوده است. حمایت بی‌دریغ از رژیم صهیونیستی

تحولات غرب آسیا و نگرانی‌های امنیتی رژیم صهیونیستی

■ فریده شریفی

به سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره و فرار سفیر رژیم صهیونیستی از جمله رویدادهایی بود که احساسات ضد رژیم صهیونیستی مردم مصر را نشان می‌داد. در اردن درخواست‌هایی برای تعلیق پیمان صلح با رژیم صهیونیستی و تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی ارائه شد و در یمن نیز تظاهرات کنندگان خواستار قطع رابطه با رژیم صهیونیستی شدند. بی‌تردید، در خیزشی که جهان عرب را در بر گرفته و هنوز ادامه دارد، اسلام حرف اول را خواهد زد.

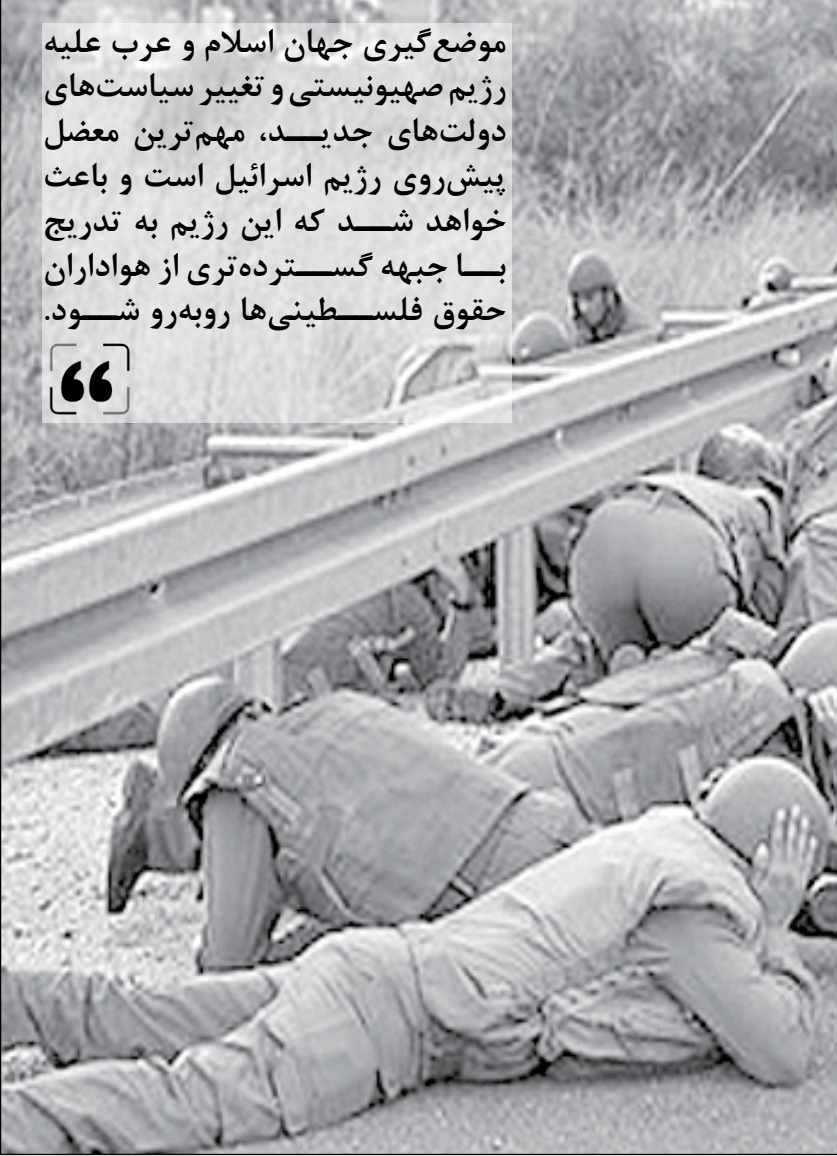
بنابراین اگر دولت‌ها و ملت‌های مسلمان از منابع قدرت نرم جهان اسلام به درستی و به هنگام استفاده کنند، می‌توانند تغییر و تحولات جهانی را در مسیر منافع مسلمانان جهان مورد تأثیر گذاری تحولات جهان عرب بررویکرد



مقاومت حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ و مقاومت حماس در جنگ ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه، مانع از آن شد که رژیم اسرائیل بتواند به تضعیف محور مقاومت بپردازد، حتی می‌توان گفت این محور در سطح منطقه‌ای تقویت نیز شد.

از سوی دیگر، امروز به دلیل وقوع تحولات منطقه و سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرا، شاهد برجسته شدن مقاومت فلسطین و تحولات مثبت در مسیر آزادی این سرزمین هستیم و باور این موضوع که رژیم صهیونیستی از بین رفتنی است، بیشتر شده است. حتی آمریکا به عنوان حامی اصلی این رژیم در حال تغییر رویکرد است، چرا که مقاومت در برابر اراده ملت‌ها را بسیار دشوار می‌بیند و دیری نخواهد پایید که بزرگ‌ترین برنده در تحولات کنونی، جهان اسلام و بازنده اصلی صهیونیستی و حامیان آن خواهند بود. بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر گرایش‌های ضد

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir



آمریکایی و جریان‌های مبارز در کل جهان اسلام نیز توسعه یافته است و همچنین در مناطق مختلف جهان اسلام، گروه‌های اسلام‌گرا با گرایش‌های ضد آمریکایی حتی از طریق انتخابات قدرت را در دست گرفتند. پس از این حوادث جهان اسلام و نیروهای اصل درون آن به عنوان بازگیزی موثر و سرنوشته‌ساز در حال تأثیرگذاری جدی برای تعیین سرنوشت جهان هستند. در واقع یکی از ویژگی‌های بیداری اسلامی و نیز شاخص‌های رشد اسلام‌گرایی در غرب آسیا، مقابله با نظام بین‌الملل هژمونیک است. انقلاب‌های اجتماعی اخیر غرب آسیا نیز که بر اساس شکل بندی‌های گفتمان اسلامی به وجود آمده دارای رویکرد مقابله‌گرا با نظم مسلط جهانی می‌باشد. این گفتمان هرگونه برتری طلبی کشورهای غربی در مقابله با واحدهای غرب آسیا را مورد انتقاد قرار می‌دهد. رشد اسلام‌گرایی و تشدید ضدیت با صهیونیسم مشخصه بازگشت به هویت اسلامی و بیزاری از قدرت‌طلبی آمریکا و مقابله با آن، بیانگر رشد اسلام‌گرایی است. پدیده‌هایی در سطح جهان اسلام که سبب تسریع در این فرآیند گردیده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها مسئله فلسطین می‌باشد.

اصلی‌ترین چالش

محور مقاومت و سیاست‌ها و اقدامات آن، اصلی‌ترین چالش امنیتی رژیم صهیونیستی در محیط منطقه‌ای به ویژه در یک دهه اخیر بوده است. هرچند جمهوری اسلامی ایران و سوره‌ای دهه‌های گذشته در پی تضعیف رژیم صهیونیستی بوده‌اند و بر این اساس از آرمان‌ها و منافع گروه‌های فلسطینی حمایت کردند، فقط در دهه اخیر و بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در نتیجه تحولات جدید منطقه‌ای بود که محور مقاومت به صورت کنونی آن شکل گرفت و چالش امنیتی مهمی برای اسرائیل تلقی شد.

با این حال، مقاومت حزب‌الله در جنگ ۲۲ روزه در سال ۲۰۰۶ و مقاومت حماس درجنگ ۲۲ روزه ۸ روزه و ۵۱ روزه، مانع از آن شد که رژیم اسرائیل بتواند به تضعیف محور مقاومت بپردازد، حتی می‌توان گفت این محور در سطح منطقه‌ای تقویت نیز شد.

برآیند تحولات جهان عرب برای امنیت رژیم صهیونیستی را در مجموع می‌توان به دو دیدگاه کلی تقسیم کرد:

در دیدگاه نخست اعتقاد بر این است که قیام‌های مردمی و شکل‌گیری نظام‌های دموکراتیک در سطح جهان عرب، باعث تضعیف کشورهای محافظه‌کار و غربگرای جهان عرب و تقویت رویکردهای ضد اسرائیلی و مدافع حقوق فلسطینی‌ها در کشورهای عربی می‌شود. در قالب این دیدگاه، استدلال می‌شود که رژیم صهیونیستی می‌توان افزایش چالش‌های امنیتی محیطی و فاصله گرفتن از جایگاه امن قبلی را از سال ۲۰۱۱ دانست. این رژیم هم خود در معرض مخالفت‌ها و مقاومت‌ها جدید مردمی و رژیم‌های سیاسی عربی قرار خواهد گرفت و هم آمریکا به عنوان اصلی‌ترین حامی آن در سطح

موضع‌گیری جهان اسلام و عرب علیه رژیم صهیونیستی و تغییر سیاست‌های دولت‌های جدید، مهم‌ترین معضل پیش‌روی رژیم اسرائیل است و باعث خواهد شد که این رژیم به تدریج سا جبهه گسترده‌تری از هواداران حقوق فلسطینی‌ها روبه‌رو شود.

“

بین‌المللی، دیگر نمی‌تواند مانند گذشته فارغ از ملاحظات عمومی در خاورمیانه و شمال آفریقا عمل کند.

دیدگاه دوم، رویکرد نخست را بدبینانه می‌داند و معتقد است باید نگاه متعادل‌تر و واقع‌بینانه‌تری به تحولات جهان عرب داشت. در قالب این دیدگاه، استدلال می‌شود که تحولات جهان عرب تاکنون به سیاست‌های ضد اسرائیلی منجر نشده است که بتواند امنیت این رژیم را تهدید کند به

اسرائیل با توجه به قدرت برتر خود در مقابل جهان عرب به ویژه در عرصه نظامی، خواستار حفظ وضع موجود است. از این رو، تحولاتی که به دگرگونی استراتژیک در منطقه منجر می‌شود، به ویژه تأثیر احساسات ضد اسرائیلی اعراب می‌تواند به ایجاد شرایط منطقه‌ای نامطلوبی برای اسرائیل منجر شود.

اسرائیل با توجه به قدرت برتر خود در مقابل جهان عرب به ویژه در عرصه نظامی، خواستار حفظ وضع موجود است. از این رو، تحولاتی که به دگرگونی استراتژیک در منطقه منجر می‌شود، به ویژه تأثیر احساسات ضد اسرائیلی اعراب می‌تواند به ایجاد شرایط منطقه‌ای نامطلوبی برای اسرائیل منجر شود. در واقع یکی از ویژگی‌های بیداری اسلامی و نیز شاخص‌های رشد اسلام‌گرایی در غرب آسیا، مقابله با نظام بین‌الملل هژمونیک است. انقلاب‌های اجتماعی اخیر غرب آسیا نیز که بر اساس شکل بندی‌های گفتمان اسلامی به وجود آمده دارای رویکرد مقابله‌گرا با نظم مسلط جهانی می‌باشد. این گفتمان هرگونه برتری طلبی کشورهای غربی در مقابله با واحدهای غرب آسیا را مورد انتقاد قرار می‌دهد. رشد اسلام‌گرایی و تشدید ضدیت با صهیونیسم مشخصه بازگشت به هویت اسلامی و بیزاری از قدرت‌طلبی آمریکا و مقابله با آن، بیانگر رشد اسلام‌گرایی است. پدیده‌هایی در سطح جهان اسلام که سبب تسریع در این فرآیند گردیده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها مسئله فلسطین می‌باشد.

اسرائیل با توجه به قدرت برتر خود در مقابل جهان عرب به ویژه در عرصه نظامی، خواستار حفظ وضع موجود است. از این رو، تحولاتی که به دگرگونی استراتژیک در منطقه منجر می‌شود، به ویژه تأثیر احساسات ضد اسرائیلی اعراب می‌تواند به ایجاد شرایط منطقه‌ای نامطلوبی برای اسرائیل منجر شود. در واقع یکی از ویژگی‌های بیداری اسلامی و نیز شاخص‌های رشد اسلام‌گرایی در غرب آسیا، مقابله با نظام بین‌الملل هژمونیک است. انقلاب‌های اجتماعی اخیر غرب آسیا نیز که بر اساس شکل بندی‌های گفتمان اسلامی به وجود آمده دارای رویکرد مقابله‌گرا با نظم مسلط جهانی می‌باشد. این گفتمان هرگونه برتری طلبی کشورهای غربی در مقابله با واحدهای غرب آسیا را مورد انتقاد قرار می‌دهد. رشد اسلام‌گرایی و تشدید ضدیت با صهیونیسم مشخصه بازگشت به هویت اسلامی و بیزاری از قدرت‌طلبی آمریکا و مقابله با آن، بیانگر رشد اسلام‌گرایی است. پدیده‌هایی در سطح جهان اسلام که سبب تسریع در این فرآیند گردیده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها مسئله فلسطین می‌باشد.

سیاسی تضعیف می‌کند، اسرائیل به افکار عمومی عربی اعتمادی ندارد. نظرسنجی‌ها نیز نشان دهنده آن است که حدود ۹۰ درصد عرب‌ها، اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید برای خود می‌دانند. مقام‌های اسرائیلی نیز ادعای می‌کنند که هر دو پیمان صلح اسرائیل با کشورهای مصر و اردن بوده و انعقاد این پیمان‌ها به این دلیل ممکن شده است که این رهبران دیکتاتور، خارج از جریان اصلی عربی بوده‌اند.

سیاسی تضعیف می‌کند، اسرائیل به افکار عمومی عربی اعتمادی ندارد. نظرسنجی‌ها نیز نشان دهنده آن است که حدود ۹۰ درصد عرب‌ها، اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید برای خود می‌دانند. مقام‌های اسرائیلی نیز ادعای می‌کنند که هر دو پیمان صلح اسرائیل با کشورهای مصر و اردن بوده و انعقاد این پیمان‌ها به این دلیل ممکن شده است که این رهبران دیکتاتور، خارج از جریان اصلی عربی بوده‌اند.

طور مثال در سوریه فروپاشی دولت بشاراسد در نهایت به تضعیف نفوذ ایران و محور مقاومت منجر می‌شود یا اینکه حداقل با مشکلات و بی‌ثباتی‌های داخلی، سوریه دیگر توانمندی خاصی برای تهدید رژیم صهیونیستی نخواهد داشت.

در مجموع دو دیدگاه در اسرائیل و بین

مقام‌های این رژیم درباره تحولات سوریه وجود دارد که از شکاف دیدگاه‌های اسرائیلی‌ها در این حوزه حکایت می‌کند. برخی در اسرائیل بر این

تهدیدهای جدی‌تری برای اسرائیل می‌شود. با این حال، یک نتیجه‌گیری و باور کلی نیز در رژیم صهیونیستی وجوددارد که به دلیل مشغول بودن سسوریه به امور و چالش‌های داخلی خود برای ماه‌ها و حتی سال‌های آینده، ثبات اسرائیل کماکان تاوأم خواهد داشت.

علاوه بر مصر و سوریه، تحولات در حوزه‌های دیگر جهان عرب مانند تونس، لیبی، اردن، بحرین، یمن و فلسطین نیز برای رژیم صهیونیستی اهمیت و تأثیرات خاص خود را دارد. لیکن برخی از این تحولات و خیزش‌ها را امنیت این رژیم پیوند تنگاتنگی دارد و فضای امنیتی این رژیم را نشانه گرفته است و برخی دیگر امنیت اسرائیل را کمتر با خطر مواجه کرده‌اند یا لاقفل هنوز به تهدید و چالش جدی تبدیل نشده‌اند.

رژیم صهیونیستی با توجه به برداشتی که از تهدیدات منطقه‌ای نسبت به خود دارد، سیاست‌های امنیتی زیر را برای امنیت خود به کار می‌گیرد:

۱) این رژیم می‌کوشد با تجاوز و حمله به کشورهای منطقه، آنها را از اقدام به جنگ باز دارد.

۲) رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند، خود را قدرتمند نشان دهد و از این طریق، در دل جریان‌های ضد صهیونیستی هراس ایجاد کند. ولی خوشبختانه، پس از شکست‌های مکرر مقابل حزب‌الله و حماس، این‌سبب ترفند در حال حاضر ناکارآمد شده است.

۳) حمایت از جریان‌های تکفیری و تروریستی، خصوصا در سوریه، تا آتش جنگ میان مسلمانان همچنان روشن بماند.

نتیجه‌گیری

خیزش‌های اسلامی و تحولات ژئوپلتیک بر امنیت رژیم صهیونیستی تأثیر گذاشته و باعث شده است که این رژیم مانند قدرت‌های فرامنطقه‌ای با تهدیدها و چالش‌های مهمی روبرو شود.

رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند با اقدامات خود و رصد منظم تحولات، درباره هر یک از حوزه‌های دچار بحران رویکردهایی اتخاذ کند

امروزه جامعه یهود که توسط طبقه حاکم آمریکا و لابی صهیونیسم (آپیک) و روسای دولت رژیم صهیونیستی تشکیل شده بیش از هر زمان دیگری دارای اشتراک منافع هستند و مبارزه علیه اسلام که مانع بزرگی در برابر سیطره جهانی آمریکا و صهیونیسم است هدف مهم آنها است.

از تهدیدها علیه خود بکاهد و از فرصت‌های موجود بهترین استفاده را ببرد. موضع‌گیری جهان اسلام و عرب علیه رژیم صهیونیستی و تغییر سیاست‌های دولت‌های جدید، مهم‌ترین معضل پیش‌روی اسرائیل است و باعث خواهد شد که این رژیم به تدریج با جبهه گسترده‌تری از هواداران حقوق فلسطینی‌ها روبه‌رو شود.

در حال حاضر رژیم صهیونیستی برای حفظ امنیت و حفظ موجودیت نامشروع، خود به ضرر



جوامع مسلمان وارد عمل می‌شود؛ به تفرقه دامنی می‌زند، جنگ‌های داخلی را می‌اندازد و کینه و نفاق در میان مسلمانان می‌پراکند. اما این سیاست پایدار نخواهد بود و نهایتا نتیجه عکس خواهد داد. واقعیت این‌است که موجودیت رژیم صهیونیستی ناپایدار است و هیچ سیاسی نمی‌تواند سرنوشت محتوم این رژیم را تغییر دهد،

اجرای سیاست‌های دیکته شده از جانب قدرت‌های خارجی، بحران را در این کشور طولانی‌تر خواهد کرد.

“

قومی و مذهبی در اداره امور کشور شکل می‌گیرد و مناصب بین همه نیروهای سیاسی اثرگذار تقسیم می‌شود. در این الگو، امکان بروز ناراضاتی و تشدید حس محرومیت برای یک قوم یا گروه خاص کمتر است.

درپاره آینده سبلیسی سوریه تنها در دست مردم این کشور و بر پایه خواست و اراده ملت سوریه است و قدرت‌های خارجی نمی‌توانند با ارایه طرح‌های گوناگون برای تکه تکه شدن یک سرزمین تصمیم بگیرند. این دست اقدام‌ها و موضع‌گیری‌ها، نگرانی‌ها را از شکل‌گیری «سایکس- پیکو»ی جدید در منطقه تشدید می‌کند. بر واضح است که ریشه بسیاری از چالش‌های امروز خاورمیانه در تعیین مرزهای ساختگی و بی‌پایه در قرارداد «سایکس- پیکو» پس از جنگ جهانی اول است. اکنون نیز پس از سال‌ها، ایجاد اقلیم‌های خودمختار از طریق روندهای ساختگی و دیکته شده از جانب قدرت‌های خارجی، باری از آوار ویرانی سوریه برخواهد داشت و تنها بحران را در این کشور تمدید خواهد کرد.

منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی

و بر حفظ تمامیت سرزمینی سوریه تأکید کرده‌اند.

استقرار نظام فدralی همچنین باعث تشدید رقابت‌های منطقه‌ای می‌شود، زیرا هر یک از اقلیم‌ها و منبئ در جهت تقویت این کشور نیز هیچ مطالبه‌ای می‌کنند و همین موضوع زمینه دخالت قدرت‌های بیگانه در امور داخلی سوریه را مهیا می‌سازد.

هر چند نمی‌توان چشم بر اختلاف‌های موجود بین گروه‌های قومی و مذهبی در سوریه بست اما بر

تشش را است.

از دیگر موارد عدی در این زمینه می‌توان به مخالفت مهمترسب بازگران منطقه‌ای در عرصه تحولات سوریه اشاره کرد؛ بازگرائی که به دلیل وجود برخی مشالته‌های ترکیب جمعیتی و نگرانی از تشدید فعالیت‌های گریز از مرکز و تسری این روند به داخل مرزهای خود، نسبت به این موضوع حساسند و بارها به طور صریح موضع خود را اعلام